

نویسنده: علی ناصر «Ali Nassar».
منبع و تاریخ نشر: کریدل «2025-07-03».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

چگونه جاه‌طلبی‌های ترکیه به سمت شرق در خدمت نظم آتلانتیک‌گرایانه است

How Turkiye's eastward ambitions serve the Atlanticist order

نفوذ آنکارا در اوراسیا، ایدئولوژی نئوعثمانی، قدرت نرم اسلامی و ژئوپلیتیک همسو با ناتو را در تلاشی برای رقابت با روسیه، چین، ایران و هند در هم می‌آمیزد.

Ankara's penetration into Eurasia blends neo-Ottoman ideology, Islamic soft power, and NATO-aligned geopolitics in a bid to rival Russia, China, Iran, and India.



عکاسی توسط کریدل

از آغاز قرن بیست و یکم، دستور کار سیاست خارجی ترکیه قاطعانه به سمت شرق تغییر کرده و مسیری را در آسیای مرکزی و جنوبی ترسیم می‌کند. این دگرگونی چیزی بیش از احیای نفوذ دوران عثمانی را نشان می‌دهد.

این امر نشان دهنده یک پروژه ژئوپلیتیکی چند لایه است که در ناسیونالیسم پان تورانیستی «پان ترکیسم»، اسلام سیاسی وابسته به اخوان المسلمین و استقرار استراتژیک ابزارهای نظامی و توسعه‌های ریشه دارد - که به هدف خدمت به منافع ملی آنکارا در عین همگرایی با اهداف منطقه‌ای گسترده تر ناتو طراحی شده است. حرکت آنکارا به سمت شرق در شرایطی صورت می‌گیرد که نفوذ ایالات متحده رو به کاهش است، یعنی که جهان به چند قطبی گرایی با زگشته و رقابت جهانی برسر انرژی، کریدورهای تجاری و بازارهای نوظهور تشدید شده است. در این زمینه، ترکیه دیگر گسترش **اوراسیا** را اختیاری نمی‌داند؛ بلکه اکنون آن را یک ضرورت استراتژیک می‌داند.

بنگلادش: مرز شرقی آنکارا برای آزمایش ایدئولوژیک

بنگلادش به یک صحنه عملیاتی مقدم برای جاه طلبی‌های **اوراسیای** ترکیه تبدیل شده است. این کشور با اکثریت مسلمان که از نظر جغرافیایی بین هند و میانمار قرار دارد، زمینه مناسبی برای نفوذ ترکیه فراهم می‌کند.

ظهور دولت محمد یونس در سال «۲۰۲۴» - دولتی طرفدار اسلام‌گرا و دلسوز آنکارا - راه را برای بازیگران ترک هموار کرده است تا نه تنها به عنوان شرکای توسعه، بلکه به عنوان نیروهای فرهنگی و سیاسی مستقر در دولت و جامعه فعالیت کنند. یکی از این ابزارها «سلطنت بنگلا»، یک سازمان مردم نهاد تحت حمایت ترکیه مستقر در داکا است که علناً خود را با حزب حاکم عدالت و توسعه (AKP) مرتبط می‌داند. این سازمان فراتر از کارهای خیریه عمل کرده و نقشه تحریک‌آمیز «بنگلادش بزرگ» را منتشر کرده است که بخش‌هایی از ایالت راخین میانمار و همچنین سرزمین‌های هند از جمله بیهار، اودیشا، جارکند و منطقه شمال شرقی هند را متعلق به خود می‌داند.



نقشه‌ای از «بنگلادش بزرگ» که بخش‌هایی از میانمار و سرزمین‌های هند از جمله بیهار، اودیشا، جارکند و منطقه شمال شرقی را در بر می‌گیرد

اگرچه این نقشه به طور رسمی به رسمیت شناخته نشده است، اما بی سر و صدا توسط چهره‌های درون حزب حاکم ترکیه مورد تأیید قرار گرفته است - که نشان دهنده تقسیم کار هماهنگ بین نخبگان سیاسی همفکر ترکیه و بنگلادش است.

منابع دیپلماتیک می‌گویند که این اقدام نقشه برداری، تلاش ترکیه برای ایجاد یک وزنه تعادل استراتژیک در برابر هژمونی هند در جنوب آسیا، به ویژه با توجه به درگیری‌های اخیر بین هند و پاکستان بر سر کشمیر و مدل‌های حکومت اسلامی را نشان می‌دهد. برخی از تحلیلگران حتی این پروژه را به منافع گسترده تر ترکیه-بنگالی در تبت - منطقه‌ای که همچنان یک خط قرمز غیرقابل مذاکره برای پکن است - مرتبط دانسته اند.

بنابراین، بنگلادش چیزی بیش از یک عرصه نفوذ جدید است. این آزمایشگاهی است که ترکیه در آن قابلیت صدور مدل سیاسی و ایدئولوژی مذهبی خود را به حوزه هند، در پوششی از انسان‌دوستی و همبستگی اسلامی، آزمایش می‌کند.

این امر بی‌سابقه نیست. شبه قاره هند - که بنگلادش زمانی بخشی از آن بود - در اوایل قرن بیستم محل سکونت برخی از پرشورترین حامیان خلافت عثمانی بود. جنبش خلافت که پس از جنگ جهانی اول آغاز شد، میلیون‌ها مسلمان هندی، از جمله چهره‌های برجسته بنگال، را در دفاع از خلیفه عثمانی به عنوان نمادی از وحدت پان اسلامی بسیج کرد.

آن خاطره تاریخی هنوز هم، به ویژه در میان شبکه‌های اسلام‌گرا و نخبگان مذهبی، پابرجاست و به نظر می‌رسد آنکارا مشتاق است آن را به عنوان بخشی از استراتژی گسترده‌تر خود برای احیای هویت اسلامی فرامنطقه‌ای همسوی با رهبری ترکیه، دوباره فعال کند.

تورانیسم: ستون فقرات ملی‌گرایانه گسترش ترکیه

پان تورانیسم، یک ایدئولوژی اوایل قرن بیستم که بر اساس اتحاد مردمان ترک زبان از آناتولی تا غرب چین بنا شده بود، در آنکارا به عنوان وسیله‌ای برای تحکیم ژئوپلیتیک احیا شده است. امروزه، ترکیه از این دیدگاه برای تعمیق تسلط خود بر آسیای مرکزی - به ویژه در قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و آذربایجان - استفاده می‌کند.

این فشار ایدئولوژیک از طریق سازمان کشورهای ترک زبان عملیاتی می‌شود که به عنوان یک بلوک مشترک سیاسی، اقتصادی و امنیتی آنکارا را با این جمهوری‌های پس از شوروی مرتبط می‌کند. ترکیه از طریق ابتکارات فرهنگی تحت حمایت دولت - مانند کار TURKSOY، برنامه‌های بورسیه و تبادل دانشجو - در حال تغییر چشم‌اندازهای آموزشی و رسانه‌ای منطقه‌ای است.

همزمان، آنکارا از تلاش‌ها برای جایگزینی الفبای اسلاوی با الفبای لاتین در سراسر این کشورها حمایت کرده و مفهوم خانواده پان ترکیستی را در خود جای داده است.

در سطح زیرساخت، پروژه‌هایی مانند کریدور انرژی شرق-غرب و راه‌آهن ماورای قفقاز، آسیای مرکزی را به ترکیه و اروپا متصل می‌کنند. اما این صرفاً مربوط به لجستیک نیست. این موضوع در مورد به چالش کشیدن روسیه و چین برای نفوذ در هسته اوراسیا و قرار دادن آنکارا به عنوان یک بازیگر تعیین‌کننده در توازن قدرت در سراسر آسیا است.

اخوان المسلمین: پلی سیاسی به جنوب آسیا

در جوامع اسلامی خارج از جهان عرب، ترکیه از طریق اسلام سیاسی به سبک اخوان المسلمین حزب عدالت و توسعه، دسترسی خود را گسترش داده است. این رویکرد به ویژه در پاکستان و بنگلادش طنین‌انداز است، جایی که نیروهای اسلام‌گرا - غیر از گروه‌های تروریستی تحت حمایت خارجی - اغلب فاقد ساختارهای منسجم یا حمایت خارجی قابل اعتماد هستند.

آنکارا شبکه‌ای رو به رشد از رسانه‌های حمایتی و رسانه‌ای ایجاد کرده است که آن را به عنوان طلایه دار معنوی و سیاسی امت مسلمان (جامعه مؤمنان) معرفی می‌کند. این شبکه‌ها شامل شاخه‌هایی از حزب عدالت و توسعه یا تشکل‌های همسو با آن است که در کشورهایمانند بنگلادش فعالیت می‌کنند. به موازات این، سازمان‌های غیردولتی وابسته به اخوان المسلمین - برجسته‌ترین آنها بنیاد امداد بشر دوستانه IHH - قدرت نرم ترکیه را از طریق آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و امدادرسانی اضطراری گسترش می‌دهند.

ترکیه همچنین از بحران روئینگیا برای ایجاد حسن نیت در بین مسلمانان منطقه استفاده ابزاری کرده و خود را به عنوان تنها قدرت اسلامی که مایل و قادر به دفاع از جمعیت‌های مسلمان مظلوم است، معرفی می‌کند.

این معماری به آنکارا این امکان را می‌دهد که خود را در جامعه مدنی و نهادهای دولتی تثبیت کند و بدون ایجاد رویارویی آشکار با نخبگان ملی ریشه‌دار، موازی‌سازی سیاسی را تقویت کند.

پاکستان: بمثابه پل ایدئولوژیک و استراتژیک آنکارا

پاکستان مدت‌هاست که به عنوان ستون اساسی در توسعه منطقه‌ای آنکارا عمل کرده است. این روابط دوجانبه با پروژه‌های دفاعی مشترک - به ویژه در ساخت پهپادها و خودروهای زرهی - و چارچوب ایدئولوژیک مشترک بین حزب عدالت و توسعه و نخبگان محافظه‌کار اسلام‌گرای پاکستان تقویت شده است.

هر دو کشور به طور مشترک از آرمان‌های مسلمانان، از جمله کشمیر و فلسطین، به درجات مختلف حمایت کرده‌اند. اسلام‌آباد به طور نا محسوس تری نقش میانجی را در هماهنگی ترکیه و بنگلادش ایفا می‌کند و ورود آنکارا به صحنه سیاسی داکا را تسهیل

می‌کند. پاکستان همچنین از طریق شبکه‌های مذهبی و رسانه‌های اسلام‌گرا به ایجاد زمینه برای نفوذ ترکیه در افغانستان و آسیای مرکزی کمک می‌کند.

این همکاری تا قبرس شمالی گسترش می‌یابد، جایی که پاکستان بارها حمایت خود را از آن اعلام کرده است. اندکی پس از اعلام جمهوری ترک قبرس شمالی (TRNC) در سال ۱۹۸۳، پاکستان از اولین کشورهایی بود که این جمهوری را به رسمیت شناخت، اگرچه رسماً تحت فشار سازمان ملل متحد ظرف چند روز از به رسمیت شناختن آن صرف نظر کرد.

دهه‌ها بعد، نخست وزیر شهباز شریف علناً اعلام کرد که پاکستان «کاملاً از آرمان قبرس شمالی حمایت می‌کند» و «بی‌چون و چرا» در این مورد در کنار آنکارا خواهد ایستاد. این همبستگی پایدار، عمق توان محور آنکارا-اسلام‌آباد را که ریشه در تعهدات ایدئولوژیک مشترک و منافع استراتژیک متقابل دارد، برجسته می‌کند.

معماری قدرت نرم ترکیه

گسترش آنکارا به اوراسیا توسط یک استراتژی قدرت نرم با دقت تدوین شده پشتیبانی می‌شود. آژانس همکاری و هماهنگی ترکیه (TIKA) پروژه‌های توسعه‌ای را در بخش‌های آموزش، بهداشت و زیرساخت اجرا می‌کند. بنیاد مذهبی ترکیه مساجد می‌سازد، مراکز مذهبی را تأمین مالی می‌کند و آموزش اسلامی به زبان ترکی را در خارج از کشور ارائه می‌دهد.

در همین حال، مدارس و دانشگاه‌های ترکیه در خارج از کشور، کادر جدیدی از نخبگان را تربیت می‌کنند که با جهان‌بینی سیاسی آنکارا همسو هستند.

این تلاش‌ها در بنگلادش؛ به ویژه در اردوگاه‌های پناهندگان روهینگیا قابل مشاهده است، جایی که کمک‌های بشردوستانه ترکیه به تثبیت حضور سیاسی تحت پوشش خیرخواهی کمک کرده است. این ابتکارات صرفاً خیریه نیستند؛ بلکه سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در وفاداری ژئوپلیتیکی هستند.

هم‌افزایی ناتو - و واکنش شدید اوراسیا

اگرچه آنکارا اغلب ادعا می‌کند که سیاست خارجی مستقلی را دنبال می‌کند، اما موضع توسعه‌طلبانه آن در اوراسیا به طور کامل با اهداف کلیدی ناتو همسو است. در ثبت و سین کیانگ، فعالیت ترکیه مستقیماً مکمل تلاش‌های غرب برای مهار چین است. در افغانستان و آسیای مرکزی، حضور آنکارا ایران را محاصره کرده است. و در جمهوری‌های شوروی سابق آسیای مرکزی، ترکیه به عنوان رقیبی برای نفوذ باقی‌مانده مسکو عمل می‌کند.

آنکارا به جای اینکه به عنوان یک کشور سرکش عمل کند، نقش نیروی کمکی منطقه‌ای ناتو را ایفا می‌کند. استفاده آن از روایت‌های فرهنگی طنین‌انداز - چه پان‌ترکی و

چه اسلام‌گرایانه - مداخله‌اش را برای مخاطبان محلی خوشایند می‌کند، در حالی که در خدمت طرح‌های بلندمدت آتلانتیک‌گرایانه است. این همگرایی اهداف می‌تواند تحمل غرب در برابر مانورهای توسعه‌طلبانه ترکیه را، علی‌رغم اختلافات پر سر و صدا بر سر سوریه و مدیترانه شرقی، توضیح دهد.

با وجود دستاوردهایش، پروژه ترکیه بدون محدودیت نیست. هند با نگرانی فزاینده‌ای به حضور رو به رشد آنکارا در بنگلادش، به ویژه انتشار نقشه «بنگلادش بزرگ»، نگاه می‌کند. چین حضور ترکیه در تبت را یک تحریر استراتژیک می‌داند. روسیه که در حال تثبیت مجدد خود در آسیای مرکزی است، بعید است که میدان را به رقبای ترکیه واگذار کند.

علاوه بر این، جمعیت‌های محلی ممکن است در برابر فشار ایدئولوژیک آنکارا مقاومت کنند، به ویژه اگر اسلام سیاسی را به عنوان یک تحمیل خارجی تلقی کنند. خطر اتکای بیش از حد به قدرت نرم مذهبی این است که ممکن است نخبگان سکولار را بیگانه کند یا واکنش منفی بلوک‌های منطقه‌ای نوظهور را که به دنبال محدود کردن گسترش اسلام‌گرایی هستند، برانگیزد.

پیشروی ترکیه به سمت شرق صرفاً استراتژیک نیست - ایدئولوژیک است. آنکارا با تلفیق اسلام همسو با اخوان المسلمین و ناسیونالیسم تورانیستی و قرار دادن هر دو در چارچوبی مورد پسند ناتو، به طور روشمند در حال ایجاد حوزه نفوذ در سراسر آسیای مرکزی و جنوبی است.

اما این گسترش بدون خطر نیست. این امر نیازمند کالیبراسیون دقیق است: اعمال قدرت منطقه‌ای بدون برانگیختن واکنش شدید قدرت‌های ریشه‌دار مانند روسیه، چین و هند؛ نمایش استقلال در عین حفظ ستون کارآمد اتحاد غرب.

این فقط یک مانور جسورانه نیست، بلکه یک تحریر است. اینکه آیا ترکیه می‌تواند نفوذ خود را در این عرصه مورد مناقشه اوراسیا تثبیت کند یا اینکه تناقضات اتحاد دوگانه آن را مجبور به عقب‌نشینی خواهد کرد، دیگر یک فرض نیست نتیجه، محدودیت‌های جاه‌طلبی آنکارا را شکل می‌دهد و شکنندگی یا انعطاف‌پذیری نظم آتلانتیک‌گرایی را که ادعا می‌کند از آن آشکارا سرپیچی می‌کند،

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

علی نصار (عربی: علي نصار، عبری: עילי נסאר؛ زاده ۱۹۵۴) کارگردان فیلم عرب-اسرائیلی است. نصار در روستای جلیله آرابا متولد شد و در سال ۱۹۸۱ با مدرک سینما از دانشگاه مسکو فارغ‌التحصیل شد.

----- با احترام «2025-07-06»

.....